

#### یادداشت روز

سعیداکبریان
info@khorasannews.com

#### نوبت خشت دوم دولت

قطار جابه‌جایی استانداران دولت جدید به ایستگاه آخر رسید و پس از کش و قوس‌های فراوان، همه استانداران تغییر کردند. انتخاب استانداران از پیچیده‌ترین تصمیمات دولت‌ها بوده است. دولت برای اجرای تعهداتش دو ساختار کلان دارد. ساختار ملی مانندوزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و ساختار محلی مانند استانداری‌ها و فرمانداری‌ها. رفع‌بورو کراسی اداری، نظارت بر عوامل دولتی، حمایت از تولیدکنندگان و اصناف، تولید شغل و مسکن و خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش و ورزش، از حداقل انتظارات مردم است که نقش‌مدیران محلی خیلی بیشتر از مقامات ملی در حل آن‌هاست. از این‌رو، جایگاه استاندار در قانون خدمات کشوری، بعد‌وزیر است و انتخاب هر یک از آن‌ها باید به تصویب هیئت‌وزیران برسد و حتی عرفادولت‌ها در این انتخاب‌ها، همراهی سایر گروه‌های مرجع و افراد بانفوذ اجتماعی و سیاسی استان را کسب می‌کنند. از منظر سیاست‌گذاری عمومی نیز نقش استانداران، کلیدی است. اجرای برنامه‌های توسعه کشور، بستگی موثر به جدّیت و حمیّت استانداران دارد و او تنها عامل هماهنگی و همگرایی نیروهای اجرایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جغرافیایی تحت حاکمیتش برای تحقق پیشرفت و عدالت است. ساختارهای تصمیم‌گیری مانند کمیسیون ماده ۵ در حوزه شهرسازی، ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، کارگروه امور زیربنایی و در راس همگی، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، ابزارهای مناسبی برای تحقق برنامه‌ها و از آن‌هم‌تر، تدوین و تصویب برنامه‌های محلی است و به تعبیری، «استاندار» خط‌نگهدار چهارراه توسعه «است که هم رابطه افقی دستگاه‌های بخشی را تعدیل و هم رابطه عمودی دستگاه‌های ملی و محلی را به نفع آمایش سرزمین تنظیم می‌کند. از این رونق وزارت کشور به عنوان متولی استانداری‌ها، بسیار متفاوت با سایر وزارتخانه‌هاست و تنها وزارتخانه‌ای است که مأموریت‌اش، جغرافیا محور است نه موضوع محور! اما به دلیل ماهیت غالب سیاسی این دستگاه، وجه سیاسی و امنیتی در انتخاب استانداران بیش از وجه اقتصادی، اجتماعی و عمرانی سیطره داشته است و مهم‌تر آن که، خیلی تفاوتی نداشته یک استاندار منتخب در چه استانی مشغول شود؛ در حالی که طبیعی برای دردی، متبحر است و برای دردی دیگر، ناشی و جاهل.

سرجمع باید پذیرفت انتخاب استانداران از سخت‌ترین انتخاب‌ها برای دولت‌ها بوده و جمع‌شدین، تنها با دخالت شخص رئیس‌جمهور، صورت می‌پذیرد و یزشکیان نیز به مانند گذشتگان، با این چالش مواجه بود؛ به‌ویژه آن‌که تیغ دو دم وفاق هم به دست موافقان و مخالفان دولت افتاده و حتی برخی وزیران نیز به دلیل فرهنگ تمرکزگرای پایتخت‌نشینان، عرض‌اندام مدیران قوی را در کسوت استانداری بر نمی‌تافتند. اما کارنامه یزشکیان و وزیر کشورش، در انتخاب استانداران به دلایلی که اشاره می‌شود؛ مجموعاً «قابل قبول» ارزیابی می‌گردد. «استاندار مطلوب»، کسی است که با فهم سیاسی در میانه‌مثلث امور اقتصادی، اجتماعی و عمرانی بایستد؛ ولی جهت و شدت بردار اصلی را با توجه به مسئله‌های هر استان، در ست تشخیص دهد و تمرکز شخصی‌اش را بر حل آن‌گمارد. در سلوک فردی، متواضع و محبوب و در نظارت و تصمیم‌گیری، قاطع و شجاع باشد و قدرت رهبری‌اش بیش از توان مدیریتی‌اش باشد و هنر به نقش گرفتن دانشمندان، هنرمندان، مدیران، احزاب، تشکّل‌ها و گروه‌های مرجع را داشته باشد. «توسعه منطقه‌ای» را محور قرار دهد و حق و سهم استان را از اعتبارات و بودجه‌های ملی بگیرد و بلد باشد چگونه نیاز شهرها و روستاها را تبدیل به برنامه‌ریزی محلی و ملی کند. از محافظه‌کاری و فرافکنی بهره‌یزد و هزینه تحول و توسعه را به جان بپذیرد و با روابط تعاملی، از حق مردم استان در مجلس، دولت و دستگاه قضا دفاع کند و بیاند مردم بخش خصوصی، مهم‌ترین ارکان توسعه‌اند و قلمش به نفع آن‌ها بی‌لغزش و لرزش بچرخد!

استانداران منتخب دولت فعلی غالباً به‌ویژگی‌های اشاره شده واقف و شهرداند. به دلیل سوابق روشن و موثر در استانداری، فرمانداری و یا نمایندگی مجلس، آشنایی دقیقی با ساختارهای جغرافیا محور دارند و از نظر شخصیتی، بسیاری از آن‌ها متین، وزین و تعاملی هستند و کمتر حواشی سیاسی و رسانه‌ای در دوره‌های گذشته و این ماه‌های پیرامون‌شان بوده است. از نظر سیاسی با مقبولیت حداکثری روی کار آمده‌اند و جریانات رادیکال موافق و مخالف دولت نیز مخالفت جدی با انتصاب آن‌ها نداشته‌اند و از همه مهم‌تر به نظر تلاش‌شده است، هر یک با توجه به توان و تجربه اختصاصی و نیاز و ظرفیت ویژه هر استان، چپش گردند. مانند استاندار سیاسی برای تهران، اقتصادی برای خراسان رضوی و عمرانی برای سیستان و بلوچستان. اکنون که پرورنده انتخاب استانداران بسته‌شد؛ نو میانه‌پیکان رئیس‌جمهور، وزرا، فعالان استانی و عموم مردم، قول، قلم و قدم استانداران را نشانده گرفته است. بی‌شک، گام نخست‌تهیه لیستی از اولویت‌های راهبردی هر استان ونحوه اجرای برنامه‌های ملی و محلی با مشارکت همه کنشگران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و گام دوم، انتخاب تیم متناسب و قوی برای تحقق آن‌هاست. ساختار اجرایی کشور، معدن ذخایر مدیریتی ارزشمندی است که بابدسلقگی‌ها، سیاسی‌کاری‌ها، حسادت‌ها و منفعت‌طلبی‌ها در کنج‌های ادارات، خاک می‌خورند و یا از ظرفیت آن‌ها به کفایت استفاده نشده است. تهیه بانک اطلاعات مدیران و انتخاب مدیران حرفه‌ای بر مبنای شاخص از مسیر کانون‌های ارزیابی و توسعه از تکالیف قانونی دولت‌ها بوده است و امیدواریم در بستری فراگیر، شفاف و عادلانه از همه مدیران داننا و توانا دعوت به عمل آید و بهترین‌ها را برگزینند، چرا که حق مردم، بهترین‌هاست.

# راز بلوای شام

#### باسقوط حماه، تصرف شهر حمص کار دشواری نیست و با گرفتن این شهر نیز، مسلحین تنها ۲ ساعت بادمشق فاصله خواهند داشت.

#### علل پیشروی سریع آن‌ها و سناریوهای محتمل چیست؟

**علی سجّاد زاده** عفونتی که در مان نشود، روزی دوباره عود خواهد کرد و آسیب‌خود را خواهد زد. این حکایت تروریست‌هایی است که تحت نام شیک "معارضه" ۴ سال و ۸ ماه است که در ادلب جمع‌شده و حالا دوباره چرک این عفونت تا حماره رسیده است. وضعیت روی زمین هم بسیار وخیم است. احتمالاً به‌زودی جبهه در عا هم روشن خواهد شد. پس از آن جنگ هسته‌های مخفی در دمشق و نقاط دیگر برای فتح شهری شروع می‌شود و بحرانی بسیار عقیق پیش‌روی ما خواهد بود.
اماداستان ادلب از کجا شروع‌شد؟ از سال ۲۰۱۷ که میان ایران، ترکیه و روسیه به عنوان کشور‌های ضامن فرمت‌آستانه، ۴ منطقه امن بدون درگیری در سوریه تشکیل شد. در سال ۲۰۱۸ با کمک مقاومت، ارتش سوریه ۳ منطقه راتحت کنترل خود در آورد اما منطقه چهارم در شمال غرب مشتمل بر بخش‌هایی از استان‌های ادلب، لاذقیه، حماه و حلب، وقف توقفتش پس مارس ۲۰۲۰ در دست معارضه باقی ماند. از آن زمان بدین سو، نظر مقاومت بر فراگیری یک صلح‌ملی در سوریه به همراه حفظ فشار نظامی بر تروریست‌ها بود. اما با گذشت زمان، حاکمیت و به خصوص ارتش سوریه تقابل خود را نسبت به این موضوع از دست داد. برای خود دلیل هم داشتند:

۱. ارتش ۹ سال در داخل با انواع و اقسام گروه‌های معارض در گیر شده و استعداد آن بسیار تحلیل‌رفته اما هم‌زمان تهدیدات نظامی کلاسیک (رژیم + ایالات متحده) بسیار معتبر است.

۲. اقتصاد سوریه طی یک دهه جنگ بسیار ضعیف‌شده و نظام تحریم‌های سز ا نیز ضربه سنگینی بر توانمندی‌های معروف آن زده است. جنگ و جنگیدن پول می‌خواهد که نداشته‌ند.

۳. مردم نیازمند ریکاری روانی هستند.

در مسیر پیگیری جدی تر و یک‌دراز بایابی اقتصادی سوریه از سوی دولت، به مرور زمان ملاحظاتی در باره حضور نظامی نیروهای ایرانی شکل گرفت. فروکش کردن تب و تاب عملیات‌های نظامی در سوریه از سوی اتاق عملیات مشترک محور، طبعاً منجر به کاهش کمیت و کیفیت نیروهای می‌گردد.

#### قصد بر غصه شب عملیات ردع‌العدوان

آنچه در ۱۰ روز گذشته در سوریه رخ داده به انداز به‌حران ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ پیچیده و به میزان جنگ ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ جدی و حیاتی است. طرف مقابل با سلاح غربی، آموزش اوکراینی، اطلاعات ترکیه‌ای، جنگ شناختی اماراتی و پول گروه قدرتمندی از کشورها به صف شده تا این بار کار را برای دولت اسد تمام کند. سقوط پی‌در پی شهرها در عرض ۱۰ روز هم نشان از آن دارد که این هدف چندان دور از دسترس نیست. به‌ویژه با سقوط حماه به عنوان شهری که دروازه حمص و خط ساحلی سوریه است. جالب اینکه نقاطی در این ۱۰ روزه سقوط کرده که در کل ۱۰ سال آغازین جنگ سقوط نکرده بود. پنج‌شنبه شب نیز جنگنده‌های رژیم صهیونیستی گذرگاه مرزی سوریه و لبنان، الشریط، واقع در القصیر را بمباران کردند. این مسئله نشان می‌دهد که همدستی کاملی در تهاجم علیه سوریه وجود دارد و فعلاً نقش رژیم صهیونیستی، ممانعت از ورود نیروهای مقاومت به میدان است. دیروز جمعه نیز از دو غان نقاب از نفاق خود برداشت و گفت: " ما به بشار اسد فراخوان داده بودیم که بیایید آینده سوریه را با هم تعیین کنیم متأسفانه در این مورد پاسخ مثبتی دریافت نکردیم. مخالفین به پیشروی خود ادامه می‌دهند، هدف پس از ادلب، حماه و حمص، دمشق است و امیدوار است این مسیر بدون حادثه ادامه یابد". اما به همان ۱۰ روز گذشته برگردیم. کانال اشاره نوشت: طی چند مرحله و در فاصله زمانی‌های متعدد به ارتش سوریه و به‌طور مشخص، صالح عبدا. و لشکر ۲۵ و تشکیلات امن عسکری

#### فراخبر

#### اقتصاد و جنگ در سوریه!

**صابر گل عنبری**- در این روزها پس از حمله گروه‌های مخالف مسلح در سوریه و سیطره بر مناطق مهمی در شمال این کشور این پرسش کانونی در باره علت یا علل این پیشروی سریع مطرح شده است. قبلاً هم تقریباً به علل عمده پرداخته‌ام؛ همچون مشغولیت متحدان دمشق از ایران و حزب‌ا... به جنگ با اسرائیل و روسیه به جنگ با اوکراین و البته به نوعی نقش و درنگ سوال بر انگیز مسکو در یک هفته اخیر که بمباران‌های دو سه روز اخیر نیز نمی‌تواند توجیه‌گر نظاره‌گری آن‌تا تصرف حلب و حماه باشد. اما علل داخلی چه بسا از اهمیت بیشتری بر خوردار باشد؛ مهم‌ترین آن‌ها و دادن ارتش سوریه و فروپاشی سریع و دومینووار خطوط دفاعی آن از حلب تا حماه در همان روز‌های اول آغاز حمله است که حتی موجب شگفتی خود مهاجمان نیز شد. اما این اتفاق



هشدارهای لازم در باره تحركات معارضه در ادلب داده شده بود. اما از آن‌جا که طی این ۵ سال نیز تحركات و درگیری‌ها در خط تماس به کزات رخ داده بود، عادی انگاری شده توجه مطلوب به هشدارها نشد. آخرین هشدار ثبت‌شده به طرف سوری ساعت ۱۲ شب قبل از آغاز عملیات ابلاغ شده است. از حلب تا خط تماس با معارضه در محور غربی، سه خط تعبیه شده بود و مسئولیت خط اول در دست ارتش بوده است. اما به راحتی و بدون مقاومت خاصی عقب‌نشستند. هر چند که جیمینگ سنگین و ورود گسترده کواد کوپترها در سرعت این پیشروی موثر بوده اما این اتفاق در محورهای دیگر هم رخ داده است. فرماندهان محور وقتی چنین رفتاری را از ارتش دیدند، به نیروهای فاطمیون و... دستور دادند که آن‌ها نیز مقاومت نکرده و با ضرب‌آهنگ ارتش، عقب‌نشینند تا جان‌شان حفظ گردد.

#### جمهوری اسلامی قرار نیست جای دیگران بجنگد

یکی از اصول رفتاری تهران در حوزه عمل محور مقاومت این چنین است: حمایت سرسختانه جمهوری اسلامی زمانی بروز می‌یابد که نیروهای میزبان خود نیز مقاومت سرسختانه نشان دهند. وقتی لشکر ۲۵ (در معنای اخص) به لطیف‌ترین شکل ممکن خطوط را پشت سر هم تخلیه می‌کند، لزومی ندارد که نیروهای مقاومت به جای آنان بجنگند. مردم مناطق اشغال‌شده، خود برای حفظ یا بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال‌شده خود باید شب‌خوابی بکشند، خون دل بخورند، زحمت بکشند؛ بار و وظایف دیگران روی دوش تهران قرار نخواهد گرفت.

چه این که طی ۱۳ سال و ۸ ماه و ۲ هفته و ۳ روزی که جنگ داخلی در سوریه آغاز شده، بارها نذر فرماندهان میدانی تجربه شده که وقتی مناطق بازپس‌گیری شده توسط غیرسوری‌ها به منظور تثبیت به سوری‌ها سپرده می‌شود، در برخی اوقات به راحتی واپس می‌دهند. انتظارات و نگرش مان نسبت به میدان بایستی همخوان با واقعیات باشد. جمهوری اسلامی قرار نیست جای دیگران بجنگد. قرار است دیگران راه حرکت حق دعوت کرده تا آن‌ها "خودشان" علیه نظام ظالم اقدام کنند. نه آن‌که ما به جای آن‌ها مستقیم اقدام کنیم یا به جای آن‌ها هزینه بدیم. زمان می‌برد؟ بله حوصله می‌خواهد؟ بله. صدور انقلاب یعنی تولید تحول در قلوب که منجر به عمل خودشان بشود. یعنی یک فرایند، یک پروسه. در گذر زمان و نه در یک مقطع تعریف می‌شود. طبعاً زمانی که جنبش‌ها یا کشورها در نهایت توان خود به میدان می‌آیند، تهران نیز در نهایت توان خود به یاری آن‌ها خواهد شناخت. چه این که وقتی از ایران دعوت به مقابله علیه تروریسم در شام کردند، خواست‌شان واقعی بود و تهران نیز پاسخی واقعی داد. موهایی سپید خواهد شد تا مناطق از دست‌رفته، دوباره باز پس گرفته شود. اما این‌ها مهم نیست. هر سرزمینی که باشد، می‌توان دوباره بر آن مسلط شد. مهم‌تر از زمین، قلوب حوزه نفوذ است که نباید در تصرف اغیار قرار گیرد. زمانی که تحریر الشام قلوب افراد را در خطوط اول تا سوم گرفت، خطوط اول تا سوم را هم گرفت.

**با عینک ۲۰۱۱ نمی‌توان تحولات ۲۰۲۴ را نگرست**
بیانیه‌های جولانی را ببینید. ملت عراق را خطاب می‌کنند و دو

کشور را "بلد الشقیقین" می‌نامد. برای افراد "الحق الکامل" فی العیش بکرامه و حریه" قائل است. به نیروهای خود دستور می‌دهد که مراعات غیرنظامیان را داشته باشند. افرادی را که خیابان‌ها به مردم هدیه می‌دهند. جولانی هم فهمیده که دعوی اصلی در قلوب مردم است! مهم نیست که حاکم مردم که هست. مهم این است که قلب مردم با که است؟ که در حال اول الملک لایقنی و در حال دوم الملک لاتزول. تروریسم جدید جولانی، باتروریر آمیخته‌شده است. ضعف شدید دولت سوریه نیز به یاری معارضه آمده است. تا قبل از سقوط حلب، مردم در ۲۴ ساعت فقط ۲ ساعت برق داشتند. چند روز قبل در جامع الروضه به حلبی‌ها گفتند وضعیت خدمات عمومی در ادلب را ببینید! شما برق ۲۴ ساعته نمی‌خواهید مگر؟! ادلب، الگوی توسعه در فضای پسا اسد معرفی می‌شود. با عینک ۲۰۱۱ نمی‌توان تحولات ۲۰۲۴، انگریست که اگر چنین بود، باید گریست! جولانی خودش اصلاً پچه فیلات مزه در دمشق است.

لهجه شامی را خیلی سلیس‌تر از خیلی‌ها حرف می‌زند. استراتژی جدید تیم او در پیشروی این دستاوردها را برای تحریر الشام به ارمان آورده است. جنگ ترکیبی، تمرکز بر مدیا، مدیریت حرفه‌ای صحنه جنگ و تمرکز بر نبرد ادراکی است که ردع‌العدوان را متمایز از قبل کرده است. کما این که فرمانده میدانی‌اش، احمد الدالاتی به مردم حلب گفته بود که ما با جنگ به حلب نرسیدیم؛ قلوب شما پذیرای ما بود. همین هم بود. واقعیت این نبرد با آن‌چه که از قبل می‌دانستیم، متفاوت است. واقعیت سوریه نیز متفاوت شده است. اوایل سال‌های ۲۰۱۱ به بعد دوران رونق اقتصادی سوریه بود. پول بود. سرمایه بود. نفت بود. امروز چه هست؟ سرهنگ ارتش با حقوق ماهی ۵۰۰ هزار لیر عصرها ننگهبان فروشگاه است. آن‌هم در حالی که حداقل حقوق برای داشتن یک زندگی معمولی در سوریه ۷/۸ میلیون لیر تازه شروع می‌شود؛ آن‌هم اگر اجاره خانه نداشته باشی! آن وقت فکر می‌کنیم و انتظار داریم این ارتشی برود بجنگد و جلوی یگان‌های تاب‌دندان مسلح تحریر مقاومت ورزد؟! این را بگذارید در کنار استراتژی تهران که مفید نمی‌داند که به جای دیگران بجنگد. به هیچ وجه مقصود سخن این نیست که نباید در منطقه اقدامی کرد! مقصود این است که تصمیم‌گیری‌ها ساده‌ننستند. پرونده‌ها چند لایه هستند. موضوعات سیاست خارجی همیشه پیچیده هستند. ساده‌انگاری صرفاً به تحلیل سطحی می‌انجامد.

#### ۳ سناریوی محتمل برای آینده سوریه

اکنون باید دید مسلحین بعد از سیطره احتمالی بر حمص با تصرف غرب آن، قصیر و بسط نفوذ در قلمون به محاصره سواحل سوریه اقدام خواهند کرد و سپس به سمت دمشق می‌روند یا قبل از آن به سمت پایتخت حرکت خواهند کرد. در چنین وضعیتی، بازپس‌گیری این شهرها در سایه فروپاشی خطوط دفاعی ارتش سوریه و افتادن تجهیزات گسترده نظامی به دست گروه‌های مهاجم و کمبود شدید جنگ‌افزار بسیار مشکل خواهد بود. کانال نگاه دیگر نوشت: اینجا سه سناریو محتمل است: نخست حرکت به سمت دمشق و تصرف آن و خروج بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه از کشور. سناریوی دوم کودتای نظامی در دمشق و توقف حمله مخالفان و شکل‌گیری گفت‌وگو میان دو طرف. این هم به احتمال زیاد محصول معامله بازیگران خارجی خواهد بود. سناریوی سوم نیز توافق بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برای توقف حمله در دروازه‌های دمشق و شروع گفت‌وگو‌ها برای ترسیم آینده سیاسی سوریه و تشکیل نظامی جدید.

در سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌های شمال سوریه به‌ویژه مناطق تحت کنترل «ارتش ملی سوریه» (ارتش آزاد سابق) داشته است؛ از جمله در بخش برق و در حالی که این مناطق برق دارند، اما مناطق تحت کنترل نظام سوریه اساساً در تاریکی بوده و برقی ندارند. در برخی شهرها مثل حلب قبل از سقوط، فقط در شبانه‌روز دو ساعت برق داشتند و هم اکنون ترکیه در صدد تامین برق این شهر راهبردی است. کما این که خود دمشق پایتخت این کشور ۳ ساعت در روز برق دارد. لب کلام این که اقتصاد در کنار عوامل دیگری در امتداد بحران سوریه، نقش کلیدی در پیشروی‌های اخیر مخالفان داشته است.

• ۵ جمادی الثاني ۱۴۴۶

• ۷ دسامبر ۲۰۲۴

• شنبه، ۱۷ آذر ۱۴۰۳

• شماره ۲۱۶۵۲

www.khorasannews.com

#### حرف مردم

۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
۲۰۰۰۹۹۹
ستون «حرف مردم» انعکاس دهنده صادق حرف‌های شماست.

نه روسیه نه چین دلشون به حال مردم و خاک ایران نسوخته و نخواهد سوخت فقط به فکر منافع کشورشون و مردم خودشون هستند و خواهند بود.

• ریشه فتنه سوریه در سیاست آمریکاست که می‌خواهد برای پیشرفت جنگی اوکراین، روسیه را در سوریه مشغول کند. از طرفی هم به جبهه مقاومت ضربات مهلک بزند.

• کسی در صحبت‌های به اصطلاح رئیس‌جمهور یزشکیان چیزی به غیر از ناامیدی دید به ماهم بگه.

• زمانی که دو کانال رادیو دو شبکه تلویزیونی داشتیم صداوسیما موفق‌تر بود و مردم راضی‌تر بودند نسبت به الان که حدود ۲۰ شبکه و کانال است.

• سلام، یادش به خیر، رئیس‌جمهوری داشتیم که هرگز دل مردم را خالی نمی‌کرد و می‌گفت: بن بستى در کشور وجود ندارد و ما مى‌توانیم و همه امکانات را برای رفع مشکلات مردم و معیشت مردم بسیج کرده بود. اما حالا دولت و رئیس‌جمهوری داریم که صبح تا شب دل مردم را خالی می‌کنند و می‌گویند نداریم، در بحران به سر می‌بریم، ناترازی داریم و مردم را تهدید می‌کنند. بیان مستمر و مداوم مشکلات و کاستی‌ها و کمبودها و ناترازی‌ها از زبان رئیس‌جمهور کشور که دردی را درمانی کند، مردم شما را انتخاب کرده‌اند که در مان کنی و مشکلات را رفع کنی. و گر نه خود مردم از شما بهتر می‌دانند مشکلات چیست. خدا عاقبت ما را با این دست فرمان رفتن دولت به خیر کن.

• تمدن جیرفت شناسنامه و تاریخ تمدن بشر است و اون قدر این مسئله مهم است که اگر مسئولان کشور پی به اهمیت ویژه این مسئله ببرند، یک موزه مخصوص با نام موزه جیرفت در شهر تهران دایر می‌کنند.

• با سلام. کمبود آب، هزینه بالای کاشت، آبیاری و نگهداری فضای سبز و خطرات آبیاری وسط معابر، خطرات ترافیکی و عدم دید عابران پیاده، لطفاً یا سنگ فرش کنید یا با نظریه کارشناس فنی فضای سبز احداث کنید.

• به نظر من هیچ چالشی به قدر و بزرگی فیلترینگ اینترنت در کشور بین مردم فراگیری ندارد.

• هر چند کشور در زمینه‌های سخت افزاری مانند صنعت هوافضا پیشرفت‌های خوبی داشته اما در زمینه‌های نرم‌افزاری مانند ترویج سنت کتاب‌خوانی و مطالعه اکرام نخبگان و فرهیختگان تولید آثاری هنری فاخر در حوزه‌های مختلف پاسخ به سوالات نسل جدید در زمینه اعتقادات و... موفق نبوده، لذا شایسته است ضمن دعوت از اصحاب فکر و اندیشه راهکارهای فرهنگی جهت حل این معضلات پیدا کرد. دوقطبی‌سازی‌ها برای حجاب طرحی بی‌پایه است، حفظ حجاب امری بدیهی و ماخوذ از کلام واجب و صریح و وحی بوده و هیچ‌بند و تبصره و استثنایی هم ندارد.

• لطفاً مسئولان مومن و متدین صداوسیما برای سلامت و سعادت روزافزون همگانی، پخش احادیث در انشائی برنامه‌های رادیو و تلویزیون را بیشتر کنند.

• سلام چگونه است که سیما بابتی حجاب‌ها مصاحبه می‌کند و تبلیغ بی‌حجابی می‌کند کاری ندارند ولی یک مسافر کش که یک بی‌حجاب را سوار می‌کند و نقشی هم ندارد و دنبال یک لقمه نان است، باید جریمه شود.

• شهرداری‌های محترم مشهد به پیاده‌روها توجه داشته باشند، وضعیت بعضی از معابر عمومی خوب در دست‌نشده و مردم به سختی از پیاده‌روها عبور و مرور می‌کنند؛ مخصوصاً افراد مسن و ناتوان. لطفاً در ستشان کنید.



**فراخوان عمومی شناسایی تامين کنندگان و يا توليد کنندگان پودر آلومینیوم فلک**

شرکت صنایع معادن و عمران رضوی در نظر دارد جهت شناسایی تامين کنندگان و يا توليد کنندگان پودر آلومینیوم فلک به ظرفیت سالانه ۱۲۰۰ تن جهت توليد بلوک هيلکسي اقدام نمايد. لذا از کليه فعالين این حوزه که تمایل به همکاری دارند دعوت می گردد با مراجعه به آدرس اینترنتی شرکت <http://www.rimc.ir> ضمن مطالعه شرایط شرکت در فراخوان، حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ نسبت به ارسال مدارک و رزومه کاری و همچنین ارائه نمونه محصول طبق مشخصات اقدام نمایند.

**روابط عمومی شرکت صنایع معادن و عمران رضوی**

۹۶۴۶۱